

# دفاع، جنگ و صلح

## جعفر گلابی

41 سال از جنگ تحمیلی می‌گذرد ولی خوب که بنگریم بسیاری از زخم‌های آن هنوز تازه است. اساساً ما نباید جنگ‌ها را فراموش کنیم نه از این بابت که تلخکامی خود را استمرار ببخشیم و به خاطر جراحتهای عظیم آن همچنان زانوی غم در بغل بگیریم. به همان اندازه که دفاع از میهن درست و اصولی و منطقی و حتی مقدس است جنگ خسارت‌بار و مصیبت‌ساز و فراق‌آسا و گاهی دهشتناک است. در جنگ انسان‌ها با تمام توان به هدم و نابودی انسان‌های دیگر به‌پا می‌خیزند و برای نیل به اهداف خود هرچه جلوی‌شان می‌آید را ویران می‌کنند. جنگ پدیده خوبی نیست و هیچ‌گاه ثمری جز فقر و فلاکت و آوارگی و غم و هجران ندارد و خوبان عالم با اینکه مردانه برای دفاع از میهن و مردم خویش قد علم می‌کنند و در آن تردید روا نمی‌دارند اهل جنگ و جدال نیستند. انصافاً چهره شهدای ما را بنگرید زندگی‌شان را بخوانید تا دریابید که آنان با جنگ و خونریزی فرسنگ‌ها فاصله داشته‌اند و واقعا از روی ناچاری و تحمیل ناجوانمردانه بود که برخاستند و جانانه از کشور خویش محافظت کردند. ما هرگز نباید جنگ‌ها را فراموش کنیم و هرگز نباید از تحویل دادن درس‌های جنگ به نسل‌های بعدی غفلت کنیم. ما نباید جنگ چالدران، جنگ‌های روس و ایران، اشغال کشور توسط متفقین و حتی جنگ‌ها و تجاوزات به کشورمان در گذشته‌های دور را از یاد ببریم و از مجموع آن همه زجر تاریخی تجربه نیندوزیم. اغراق نیست اگر آثار و خسارت‌های عظیم انسانی و مادی و معنوی جنگ را در نظر آوریم و صراحتاً هنر سیاست را در دوری از جنگ و حفظ کشور و امنیت و آسایش مردم خلاصه کنیم. کاش روزی فرا برسد که همه جنگ‌طلبان دنیا را به صحرائی تبعید کنند تا هرچه دلشان می‌خواهد باهم بجنگند و یکی از شروران عالم کم شود و خصوصاً زنان و کودکان از خشم و کینه و نفرت و زخم و جراحت در امان بمانند اما در میان همه جنگ‌ها جنگ رژیم صدام علیه کشورمان شایان توجه خاص و محل عبرت و تأمل فراوان است. در واقع هرچه از دفاع مظلومانه ولی قهرمانانه فرزندان این آب و خاک بگوییم، کم گفته‌ایم. نسل امروز ما نمی‌داند که بچه‌های جبهه و جنگ چگونه ایران را حفظ کردند؟

نمیدانند بچه‌های 17 و 18 ساله تا پیرمردهای 60 و 70 ساله چطور تقریباً در مقابل تمام دنیا با کمترین امکانات ممکن ایستادند و خرمشهر و بستان و سوسنگرد و آبادان و کرمانشاه و مهران و سردشت را نگاه داشتند. نمیدانند ما در جنگ چه گوهرهای تابناکی را از دست دادیم و چه سان کشور از وجود با ارزششان محروم شد. شاید چند نسل باید بیایند و بروند تا امثال باکری و بروجردی و حاج داوود کریمی و زین‌الدین و همت و متوسلیان و خرازی و باقری و فلاحي و فکوری و صیادشیرازی متولد شوند، رشد کنند و برای ایران سربلندی بیاورند. اگر جنگ هیچ بدی نداشت و فقط همین بزرگان مخلص و فداکار و ساده و باهوش را از ما گرفت سزاوار است که بگوییم کاش جنگ نمیشد. آنها در کنار هزاران بسیجی گمنام کافی بودند تا در سازندگی و ترقی کشور آستین بالا بزنند و کارستان کنند و چه بسا ایران ما با وجود آنها در پیشرفت و محرومیت‌زدایی گام‌های خیره‌کننده برمی‌داشت و ما طلبکار دنیایم که خزائن هوش و معنویت و ایمان و ارزش‌های انسانی را از ما گرفتند. همیشه از شهدا در شعارهای کلیشه‌ای و بی‌محتوا یاد میشود ولی پیام محشون از ادب و هنر و فکر و خوبی و سادگی و مهربانی و استعداد آنها را به نسل‌های متاخر انتقال نمیدهیم یادمان می‌رود که هرکدام از آنها پاره جان مادری بودند. زخمی که زنان و دختران و همسران و مادران ایرانی از جنگ بر دل و جسم و جان‌شان نشست کمتر از شهادت نبود. افزون بر آن ما خواهران شهید و حتی اسیر هم داشته‌ایم که کوچهای به نام‌شان نیست و یادی از آنها نمیشود! مجروحان و معلولان جنگ که گاهی فراموش میشوند هنوز به یاد یاران خود خون جگر می‌خورند، هنوز دردهای جسمی و روحی تا عمق وجودشان را می‌فشرد و گویا برای التیام این زخم‌ها کاری نمیتوان کرد! اگر سلحشوری و استقلال و تمامیت ارضی کشور يك روي سکه جنگ بود، غم‌ها و دردها و فقرها و آوارگی‌ها و فراق‌ها و ویرانی‌ها و عقب افتادن از پیشرفت و آبادانی کشور هم روي ديگر سکه جنگ بود. هنر صلح بالاتر و پیچیده‌تر و باظرافت‌تر از هنر جنگ است و گاهی شجاعت بیشتر طلب می‌کند، سیاستمداری که برای کشورش صلح به ارمغان بیاورد قهرمانی ممتاز و شایسته است چرا که او از هزاران رنج و محنت و مشقت و فراق جلوگیری به عمل آورده است. جنگ به ما درس شجاعت داد ولی تکان‌مان هم داد که تا ممکن است کشور را از گزند جنگ و درگیری و منازعه و مناقشه دورسازیم. کشور ما حداقل به يك دوره 50 ساله از آرامش و پایداری و ثبات و تعادل نیازمند است تا در پرتو آن ساخته شود و امید مردم شکوفا شود و با اطمینانی که در دل‌ها رسوخ می‌کند مشارکت همه ایرانیان جلب شود. این امید و اطمینان و امنیت کامل تنها در سایه حضور همه‌جانبه و

تعیین‌کننده مردم در همه عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به دست می‌آید و طمع بیگانگان را از اساس نابود می‌کند.

□□□□□□ 1400 □□□ 3 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□